

مقایسه تطبیقی معماری مقابر دوره سلجوقیان و ایلخانیان در شهرستان مراغه با نگرش کالبدی

علیرضا مشبکی اصفهانی

مری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز پزند، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری
alirezamoshabaki@yahoo.com

چکیده

بناهای آرامگاهی ایران در دوره‌های پس از اسلام در قالب ساخت مقابر باشکوه بر سر گور اولیای مذهبی و گاه شاهان و افراد مشهور، رواج پیدا کرد. در دوره سلجوقیان (۵۶۵ ه.ق) احداث این مقابر به عنوان یک بنای مذهبی به اوج خود رسید و ساخت مقابر با پلان‌های متنوع در تمام پهنه تحت حکومت سلجوقیان فراگیر شد. در دوره ایلخانیان (۷۰۸ ه.ق) نیز مقابر بسیاری ساخته شده که ویژگی آن‌ها پیروی از الگوهای متداول عهد سلجوقیان بوده است. هدف این پژوهش از نوع کاربردی بوده و با رویکردی کیفی به بررسی ویژگی‌های کالبدی معماری مقابر دوره سلجوقیان و ایلخانیان مراغه پرداخت شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل مقبره‌های دو دوره سلجوقیان و ایلخانیان در شهرستان مراغه بوده و با توجه به محدود بودن تعداد آن‌ها به چهار عدد، نمونه‌های آماری پژوهش، هر چهار مقبره، شامل گنبد سرخ، برج مدور، گنبد کبود (دوره سلجوقیان) و گنبد غفاریه (دوره ایلخانیان) را در بر گرفته است. روش پژوهش در بخش ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و در بخش تحلیلی از منطق قیاسی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات، مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به همراه بازدید، مشاهده و برداشت میدانی بوده است. چهار مقبره مورد بررسی در این پژوهش، از لحاظ کاربرد مصالح و تکنیک ساخت با توجه به دوره زمانی و موقعیت مکانی یکسان، مشابهت‌های بسیاری دارند. می‌توان گفت معماران ایلخانی، پلان و مصالح و روش‌های ساختمانی را از دوران سلجوقیان در این منطقه اقتباس کرده‌اند.

واژگان کلیدی: نگرش کالبدی، مقابر، مراغه، سلجوقیان، ایلخانیان.

۱- مقدمه

معماری در گذر از مذاهب و فرهنگ‌های مختلف در ایران، توانسته به گونه‌ها و اشکال مختلف خود را مطرح کند. یکی از گونه‌های معماری که آثار زیادی را می‌توان در زیرمجموعه آن قرار داد، مقابر و بناهایی هستند که بر گور افراد مشهور و یا حتی ناشناس ساخته شده و در گذر زمان به مجموعه‌ای تاریخی تبدیل شده‌اند. بیگمان شکل و ساختار مقابر ارتباط مستقیم با مقام شخص متوفی و باورها و آیین حاکم در آن دوران داشته است. افراد عادی از مقابر ساده و افراد مطرح جامعه از مقابر شاخص تری برخوردار بوده‌اند. جمله‌ی "معماری... از آراستن گورها... آغاز شد" (دورانت ۱۳۷۲: ۲۰) اشاره به اهمیت فضای گورستان داشته و گورستان را تجلی معمارانه نگرش مردم به پدیده‌ی مرگ دانست.

به لحاظ ویژگی‌های تزئینی مقابر، در ابتدا بیشتر به تزئینات آجرکاری در نمای خارجی منحصر بوده که در آن از تزئینات ساده هندسی استفاده شده بود. نمای داخلی این مقابر عموماً ساده و دارای پوشش گچی بوده است. طی دوره‌ی سلجوقی از

نقش اندازی‌های تزئینی در بدنه‌های ساختمان‌ها استفاده و حاصل آن انواع بیشماری از تزئینات هندسی متنوع می‌باشد. برج‌های خرقان و دماوند و مقابر مراغه از نمونه‌های قابل توجه این گونه تزئینات می‌باشد (شهریاری، ۱۳۷۷) مقابر سلجوقی با پلان‌های متنوع و اغلب با آجرکاری، کاشیکاری و گچبری تزئین گردیده‌اند و تزئینات آجرکاری آن‌ها، از لحاظ تکنیک و تنوع طرح، شاهکار آجرکاری را در معماری ایران نشان می‌دهد. طی دوره ایلخانی به عنوان آخرین دوره رونق مقابر برجی شکل، بر ارتفاع این مقابر افزوده و برخی ویژگی‌های بومی و منطقه‌ای نیز در معماری و تزئین آن‌ها لحاظ گردید. در این مقابر اجساد یا در زیر سنگ قبر منقش در مرکز اتاق و یا در دخمه‌های طاقدار موسوم به سرداب دفن می‌شدند (ویلبر، ۱۳۴۶: ۳۷) همینطور خطوط کوفی بنایی با استفاده از کاشی‌های یکرنگ و آجرهای لعابدار، شکوه و زیبایی این مقابر را افزایش دادند.

در این مقاله با رویکردی کیفی به بررسی کالبدی مقبره‌های دو دوره سلجوقیان و ایلخانیان، در شهرستان مراغه، پرداخته شده است. شهرستان مراغه در دوره‌های حکومت سلجوقیان و مخصوصاً ایلخانیان دارای اهمیت بسیاری بوده و آثار تاریخی بسیاری از آن دوران در این شهر به یادگار مانده است. مراغه از شهرهای تاریخی و کهن آذربایجان است که با قدمت دیرینه خویش، نشان از دوران تاریخی پیش از اسلام و دوره اسلامی دارد. از جمله بناهای عصر اسلامی آن میتوان به مقبره‌های گنبد سرخ، برج مدور و گنبد کبود (دوره سلجوقیان) و گنبد غفاریه (دوره ایلخانیان) اشاره کرد؛ که این گنبد‌ها سیر تکاملی عناصر تزئینی و کالبدی را از دوره سلجوقی تا ایلخانی را نشان می‌دهند.

هدف مقاله حاضر بررسی و تحلیل این چهار گنبد از نظر ساختار کلی، پلان، شکل ظاهری و تزئینات بکار رفته و مقایسه آنها می‌باشد؛ تا بتوان با شناخت مفاهیم نمادین گنبدینه‌های غنی از نقوش و ریشه یابی آنها، به شناخت ذهن و اندیشه معماران و در نتیجه به فرهنگ و جهان بینی و همچنین تجلی آرمانهای آن جامعه در بناهای مذکور دست یافت.

۲- مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱- پیشینه پژوهش

در زمینه تاریخ سلجوقیان کتب و تحقیقات زیادی موجود است؛ به هنر سلجوقیان در اکثر کتابهای هنر اسلامی اشاره شده و بخش کوچکی از آن نیز به معماری سلجوقی اختصاص داده شده است اما بطور خاص، توسط عده‌ای معدود مانند کاتلی و هامبی (۱۳۷۶)، هنر سلجوقی معرفی شده است، که در نهایت نتوانسته به طور موثری بازگوکننده جامع و کامل عظمت هنر این دوره باشد؛ غلامعلی حاتم (۱۳۷۹) در کتابی با عنوان "معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان" که یکی از منابع مطرح در این زمینه است به معرفی آثار شاخص دوره سلجوقی، توصیف بنا و بصورت مختصر به معرفی تزئینات آنها پرداخته است. با این حال حق مطلب در مورد مهمترین دوره تزئینات آجرکاری معماری ایران در عهد سلجوقی بطور کامل ادا نشده است. زهره بزرگمهری (۱۳۸۱) در کتاب مصالح ساختمانی به معرفی کلی برخی تزئینات آجرکاری در این دوره پرداخته، محمود ماهرالنقش (۱۳۸۱) در کتاب میراث آجرکاری ایران انواع آجرهای تزئینی متأخر و برخی نقوش هندسی آجرکاری در دورانهای مختلف و پنج ابنیه سلجوقی را طرح برداری کرده است. همچنین در این حوزه مقالاتی وجود دارند که معمولاً به صورت موردی به معرفی و یا بررسی یک یا چند بنای خاص پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال آزاد (۱۳۹۳) در مقاله خود سه مناره عصر سلجوقی را از لحاظ عملکرد، فرم و تزئینات مورد بررسی قرار داده است؛ رشوند (۱۳۹۱) به شاخه‌های دیگر این حوزه مانند مفهوم تزئینات هندسی آجرکاری پرداخته است.

درباره‌ی معماری ایرانی عصر ایلخانی منابع معتبر متعددی در دست می‌باشد که یکی از شناخته شده‌ترین آن‌ها کتاب "معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان" اثر دونالد ویلبر (۱۳۴۶) است. همچنین درباره‌ی مجموعه‌های آرامگاهی و علل شکلگیری آن‌ها، هیلن براند (۱۳۷۷) در "معماری اسلامی (فرم، معنی و عملکرد)"، نظرات قابل توجهی را ارائه کرده است. در رابطه با تزئینات آجرکاری دوران سلجوقیان تا ایلخانیان دو مقاله توسط شکفته (۱۳۹۳) و (۱۳۹۴) نوشته شده و سیر این تزئینات را در این محدوده زمانی بررسی نموده است. حسینی (۱۳۸۹) در مقاله "معرفی سبک مقبره سازی متصوفه

آذربایجان" به بررسی چند مقبره از دوران ایلخانیان و فرهنگ بروجنی و سلیمانی (۱۳۹۱) به گونه شناسی تزئینات گنبد غفاریه مراغه پرداخته‌اند.

۲-۲- معماری بناهای آرامگاهی

کلمه‌ی مقبره معادل کلمات گور، گورستان، و مفرد کلمه‌ی مقابر می‌باشد و به معانی ۱- محل دفن. ۲- عمارتی که روی قبر سازند، می‌باشد (فرهنگ معین، ۱۳۵۰). در سرزمینهای اسلامی، مقابری که مصداق بقعه‌اند، به تناسب شکل و عملکرد، نامهایی گوناگون دارند که مهمترین آنها عبارت است از:

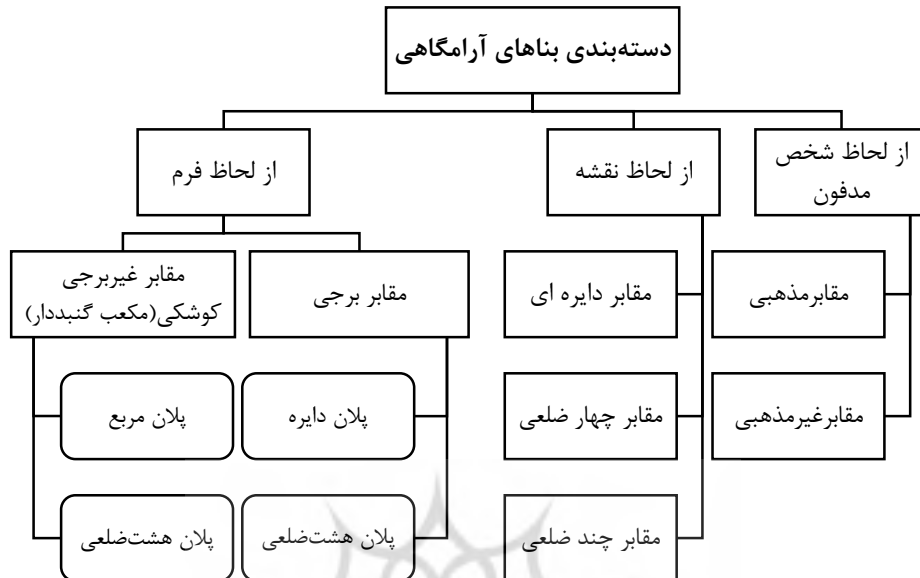
قبه، ضریح، تربت (تربه)، مدفن، قبر، گور، مزار، مرقد، روضه، مشهد، مقام و مقبره. در کشورهای عرب زبان قبه قبرهای گنبد پوش (گنبد) نامیده می‌شوند (ویلبر، ۱۳۴۶: ۱۶). به طور کلی آرامگاه به بنایی گفته می‌شود که یک یا چند شخصیت مذهبی یا سیاسی در آن دفن شده باشد و میتوان آنها را به دو گروه مقبره‌های مذهبی (زیارتی) و مقبره‌های غیرمذهبی تقسیم نمود. اینگونه بناها به نام‌های برج، گنبد، بقیه و مزار نیز معروف شده‌اند. بناهای آرامگاهی را میتوان از لحاظ نقشه، فرم و ریخت‌شناسی به زیرگروه‌های دیگر تقسیم نمود؛ این بناها از لحاظ نقشه شامل سه گروه مقابر با نقشه دایره‌ای شکل، چهارضلعی و چند ضلعی می‌باشند و از لحاظ فرم به دو گروه مقابر برجی و مقابر غیر برجی تقسیم می‌شوند. مقابر برجی شکل با اشکال متنوع از قبیل، مدور و چند وجهی، دارای ویژگی مشترکی چون گنبد بلند خارجی و تاکید بر بلندی ارتفاع ساختمان نسبت به عرض آن می‌باشند. مقبره‌های دوران اسلامی ایران، اغلب با نقشه‌های مدور، مربع و هشت ضلعی با شیوه‌های گوناگون معماری احداث شده‌اند (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۰) و همانند سایر بناهای اسلامی، با آجرکاری، گچبری، کاشیکاری و آینه‌کاری تزئین گردیده‌اند.

یکی از جنبه‌های معماری آرامگاهی، ایجاد ارتباط میان جهان مادی و معنوی است، بنابراین مقبره و زیارتگاه و اجزای آن می‌تواند مفاهیم نمادین و رمزی داشته باشد. چنانکه گنبد یا برج‌های مقبره‌ای (مهمترین جزء مقابر)، نشانه صعود و اشاره به آسمان و بهشت است. (پوپ، ۱۳۶۵: ۱۳) و می‌تواند نمادی از فرودآیی جبروت کیهان بر زمین باشد (فریر، ۱۳۷۴: ۸۹). شکل چهارگوش اماکن دینی مبین قطعیت و تغییرناپذیری قانون، و شکل کروی آن نشانه آسمان و مفهوم نامحدود و نامتناهی است، و طرح ساختمانی مرقد با سقف گنبدی، رمزاتحاد آسمان و زمین است (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۸ و ۱۳۶).

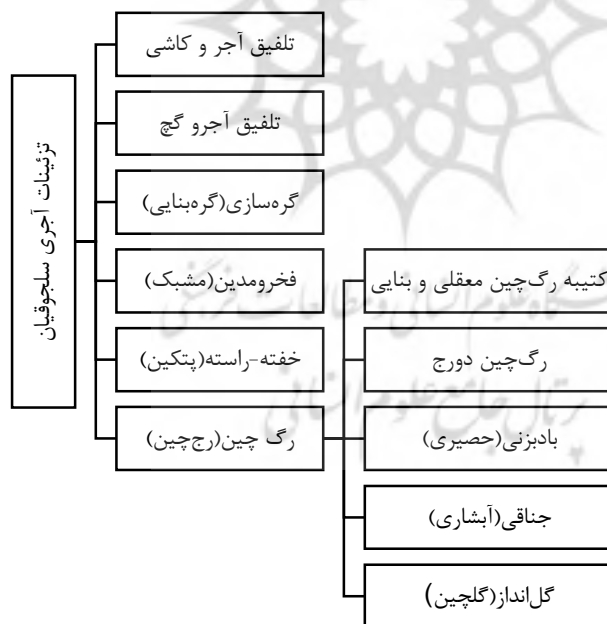
اعداد مقدس نیز در معماری مقابر تأثیر نهاده است به‌طور مثال برج‌های آرامگاهی دوازده ضلعی می‌تواند نشانه دوازده امام شیعی علیهم‌السلام یا علائم بروج دوازده گانه باشد (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۲۷۹). و مقابر هشت گوشه تمثیلی از هشت در بهشت و هشت طبقه آسمان.

پیشطاق (طاق جلوی) مقابر که ساخت آن از حدود قرن پنجم به بعد رواج یافته، با بزرگی و زیبایی خود، بزرگی و قداست شخصیت صاحب آرامگاه را بیان می‌کند (هیل و گرابر، ۱۳۷۵: ۱۰۸ و ۱۰۹). وجود نقش درختان و گیاهان در این اماکن نیز در خور توجه است. طرح گیاهان ساقه‌ای اسلیمی، که اغلب از یک گلدان یا طشت سر در آورده، می‌تواند تمثیلی از بهشت باشد. (پوپ، ۱۳۶۵: ۱۶۳) برخی نقاشی‌ها و تصاویر به کار رفته در آرامگاه‌ها، از جمله در برج خرقان، با تصاویری از گیاهان و پرندگان تمثیلی، می‌تواند مؤید این نظر باشد. خطوط به کار رفته در آرامگاه‌ها نیز علاوه بر وجه تزئینی و جاودانه کردن خاطره زهد بنیانگذاران (هیل و گرابر، ۱۳۷۵: ۱۱۱ و ۱۱۲) به دلیل استفاده از آیات قرآن، ادعیه، اشعار و ذکر زهد و تقوای بنیانگذاران، جنبه معنوی و مقدس و آخرت‌گرایی به این اماکن می‌بخشد. مقبره‌ها معمولاً تزئینات خاص دوره خود را دارند؛ اما استفاده از عناصری مثل کتیبه، در تمام آنها رایج است. مصالح به‌کاررفته در مقبره‌ها محدود و معمولاً منحصر به بدنه‌ی آجری با تزئیناتی از آجر، گچ و کاشی است. البته در دوره‌های مختلف، فنون و مصالح تغییر کرده و تزئینات نیز پرکارتر شده‌است. در دوره سلجوقی بخش اعظم تزئینات سطوح بیرونی توسط آجرکاری با نقوشی متنوع از جمله انواع گلچین‌ها و گره‌ها ایجاد شد. علاوه بر آن ابتکاراتی مانند تلفیق آجر با کاشی و یا گچ و همچنین کوفی بنایی نیز برای اولین بار در ایران توسط هنرمندان این دوره صورت گرفت؛ بطوریکه در دوران بعد از آن ترکیب

آجرکاری با کاشی بخش اعظم تزئینات را در بر گرفت. تنوع تکنیک، تحولات و ابداعات مختلف رخ داده در این دوره، در عرصه تزئینات آجرکاری، موجب شکلگیری تکنیکهای متفاوت آجرکاری در آن عصر و دوره‌های بعد از آن شده و به مرور انواع جدیدی از تزئینات معماری از لحاظ نقش، کارکرد و نحوه اجرا در معماری اسلامی ایران بر پایه تحولات رخ داده در این دوره تکوین یافتند (اشکال ۱ و ۲).



شکل ۱: دسته‌بندی بناهای آرامگاهی، ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۶



شکل ۲: دسته‌بندی انواع تزئینات در بناهای آرامگاهی، ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۶

۳- روش تحقیق

در این مقاله پس از بیان تاریخچه مختصر مقابر ایران، به مقایسه تطبیقی معماری مقبره‌های دوره‌های سلجوقیان-ایلخانیان پرداخته شده‌است. با توجه به محدود بودن مقابر این دوره‌ها در شهرستان مراغه، به چهار عدد، همه آن‌ها به‌عنوان نمونه آماری مدنظر قرار گرفته‌است. سپس با رویکردی کیفی به بررسی توصیفی-تحلیلی ویژگی‌های کالبدی این مقبره‌ها

پرداخته شده است. در انتها با منطق قیاسی به مقایسه ویژگی‌های کالبدی آن‌ها پرداخته تا بتوان درکی صحیحی از این بناها را مورد تأکید قرار داد. برای جمع آوری اطلاعات از اسناد، تصاویر و نوشته‌های پژوهشگران و بررسی‌های میدانی بهره‌گیری شده است. بدین منظور برای تکمیل مباحث، در بخش‌های مختلف تصاویر و نقشه‌های متعدد مورد استفاده قرار گرفته است.

۴- شهرستان مراغه

مراغه که به باغ شهر ایران و پایتخت نجوم ایران شهرت دارد، جزو ده شهر تاریخی ایران و دومین کهن شهر آذربایجان شرقی بعد از ارومیه می‌باشد. در کنار رودخانه صوفی‌چای در دامنه جنوبی کوه سهند و در ۱۳۵ کیلومتری جنوب مرکز استان واقع شده است. این شهر از دوران قبل از اسلام، آباد بوده، اما قرن‌های ۱۲ تا ۱۴ میلادی دوران رشد و شکوفایی آن است؛ زمانی که پایتخت سلسله‌های متعدد محلی از جمله احمدیلیان و اتابکان آذربایجان بوده است و در نهایت مرکز حکومت ایلخانی قرار داده شد. مراغه به لحاظ بافت غنی تاریخی و فرهنگی، با بیش از ۳۰۰ اثر ثبت شده ملی، جزء ۱۰ شهر برتر کشور محسوب می‌شود. چهار مقبره مورد بحث مقاله، متعلق به قرن‌های ۶ تا ۸ هجری، برجسته‌ترین بقاع واقع در این شهر هستند (اشکال ۳ و ۴).



شکل ۴: موقعیت شهرستان در استان



شکل ۳: موقعیت شهرستان در کشور

۵- بحث و تحلیل یافته‌ها

در شهر تاریخی مراغه با استفاده از داده‌های طبیعی و بکارگیری فنون و تجربیات ارزشمند هنرمندان و معماران بومی دست به دست هم داده‌اند تا آثار معماری نفیسی مانند آرامگاه‌های مقبره‌ای به‌وجود آورند. با استفاده از سنگ‌های تریشیده و آجرهای سرخ و ملات گچ و ساروج و... بناهای تاریخی خلق کرده‌اند در نمای بیرونی و داخلی، آن‌ها را با طرح‌های متنوع آجرکاری و برجستگی‌ها و فرورفتگی‌های طاق‌نماها و نغول‌ها و نیز قطعات محدود کاشی‌های آبی و لاجوردی آراسته‌اند. جزئیات تزیینی این بناها در هماهنگی فشرده و نزدیک با کل مجموعه کار شده است و بیشترین توجه در تزیین و اصول زیباسازی و معرفی اثر، در محل سردر ورودی شبستان و واقع در نمای اصلی ساختمان متمرکز شده است.

این قسمت از بنا به طور عمده در قسمت شمالی واقع شده است و در تزیین و بزرگنمایی آن در حد امکان تلاش شده است. این مقابر معمولاً به وسیله گنبد آجری دوپوسته پوشیده شده بودند که به مرور زمان کاملاً از بین رفته‌اند و امروزه تنها گنبد داخلی، و یا گنبد معمولی که بعدها برای پوشش موقت بنا ساخته شده، باقی مانده است. ساختمان این مقابر از دو قسمت سردابه (طبقه تحتانی) و شبستان (طبقه فوقانی) تشکیل شده است. مصالح اصلی بکار رفته در ازاره بنا، که همان قسمت بالایی دیوار سردابه است، قطعات تخت سنگ‌های آهکی تراشیده می‌باشد و در بالای این ازاره سنگی دیوارهای شبستان است که با آجرهای قرمز ساخته شده‌اند و تعدادی طاق‌نمای داخلی و خارجی در متن دیوارهای طبقه فوقانی وجود آورده‌اند. در همه این

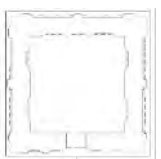


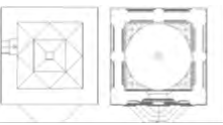





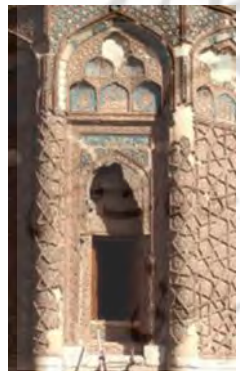


مقابر در قسمت سردابه نیز یک گنبد داخلی به چشم می‌خورد. وجود این سردابه‌های طاقدار باعث شده که سطح شبستان اصلی در حدود ۲ متر از سطح زمین بالاتر باشد به‌طوری‌که برای ورود به آن چند پله نیاز باشد ولی پله ثابت برای دسترسی به اطاق بالا فقط در گنبد سرخ دیده می‌شود و در دیگر مقابر از نردبان استفاده می‌گردد. در همه این مقابر کتیبه‌هایی در داخل و خارج بنا موجود بوده که این کتیبه‌ها یا آیاتی از قرآن بوده و یا کتیبه‌هایی که به معرفی متوفی، تاریخ فوت، تاریخ احداث بنا و به ندرت نام معمار و ... اختصاص داشته‌است.

کتیبه‌های خارجی و داخلی گنبد سرخ و مدور به خط کوفی و کتیبه‌های کنبد کبود در خارج به خط کوفی و در داخل به خط ریحان است و در گنبد غفاریه کتیبه‌های داخل و خارج منحصرأ به خط ریحان بوده‌است. در برج مقبره‌های دوره‌های مختلف ایران، از زمان پیدایش تا عهد ایلخانان، کتیبه‌ها بیشتر از جنس آجر و گچ است. البته بیشتر برای داخل مقبره، از فن نقاشی روی گچ برای کتیبه‌نگاری استفاده شده‌است. تا دوره سلجوقیان در ساخت کتیبه‌ی برج مقبره‌ها بیشتر از این مصالح و از خط کوفی استفاده کرده‌اند، اما از سده‌ی ششم به بعد کاشی در ساخت کتیبه‌های مقابر بکار رفته‌است. در کتیبه‌ی مقبره‌های گنبد مدور و کبود از آجر به عنوان زمینه و از کاشی برای حروف کتیبه استفاده شده است و در گنبد غفاریه از تلفیق تکنیک کاشی معرق و کاشی لعاب‌پران نیز در کتیبه‌ها بهره گرفته شده‌است. بر اساس مقایسه این مقابر مشخص می‌گردد که بیشترین تزئینات شامل تزئینات آجری و گچی بوده و از دوره سلجوقیان به تدریج کاشی مورد استفاده قرار گرفته و رفته رفته کاشی در سطح وسیعی در تزئینات مقابر الاخصوص در دوران ایلخانان استفاده شده‌است و از نمونه‌های بارز این پیشرفت در مقبره گنبد غفاریه دیده می‌شود.

سابقه گره چینی با تلفیق آجر، کاشی یا گره‌سازی در برج مقبره‌های دوره‌های پیشین به سده‌ی ۶ه.ق می‌رسد و شاید بتوان اولین نمونه‌های آن را در گنبد سرخ و کبود مراغه یافت و از نمونه‌های آن در سده‌ی ۷ه.ق به گنبدغفاریه در دوره ایلخانی، اشاره کرد. در گنبد غفاریه غیر از فن کاشی معرق و گره چینی با تلفیق آجر، کاشی، از فن دیگری نیز استفاده شده است که منشاء آن دوره ایلخانی است و در قیاس با دیگر فنون کاربرد کمتری داشته است و آن استفاده از دو تکنیک کاشی معرق و کاشی لعاب‌پران است. در مقابر مراغه، اجرای مقرنس سردر ورودی در گنبد کبود و غفاریه به چشم می‌خورد که در مقرنس گنبد کبود از آجر و در گنبد غفاریه از کاشی استفاده شده است. در جدول ۱، مقایسه تطبیقی این چهار مقبره مشاهده می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: مقایسه تطبیقی چهار مقبره، ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶

گنبد غفاریه	گنبد کبود	برج مدور	گنبد سرخ	مهندسه پلان
 مربع	 ده ضلعی منشوری	 دایره	 مربع	
				
<p>کتیبه‌های سردر ورودی</p>	<p>گنبد کبود (ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶)</p>	<p>همجواری برج مدور با گنبد کبود (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۶)</p>	<p>نماهایی از گنبد کبود، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۶)</p>	
				
<p>ورودی و داخل سردابه، ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶</p>	<p>تزئینات نمای خارجی گنبد کبود</p>	<p>تزئینات نمای خارجی برج مدور، ماخذ: میراث فرهنگی، ۱۳۹۶</p>	<p>اتاق فوقانی گنبد - سردابه گنبد؛ و ماخذ نگارنده، ۱۳۹۶</p>	

				<p>ستون نمای ضلع جنوب غربی</p> <p>تزئینات دیوار سردابه گنبد کیود، ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶</p> <p>ورودی و داخل سردابه برج مدور؛ ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶</p> <p>تزئینات نمای خارجی، ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶</p>
				<p>ستون نمای ضلع جنوب غربی طرح چوگان در قاب پنجره نما، (ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶)</p> <p>تزئینات نمای خارجی</p> <p>تزئینات درگاه بنا ی برج مدور، ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶</p> <p>پرسپکتیو گنبد (طرح منوچهر آریان، ۱۳۸۸)</p>
				<p>کتیبه های موجود در شبستان گنبد غفاریه، کتیبه های دو و سه سطری موجود در بالای قوس طاق نمای درگاه به خط ریحان و از جنس کاشی های آبی تیره و سیاه رنگ (ماخذ: نگارنده ۱۳۹۶)</p>

۶- نتیجه گیری

در طول معماری ایران اسلامی مقابر بسیاری بنا شده که اکثرا به دو فرم اصلی مقابر برجی شکل و مقابر مکعب گنبددار می باشند. ساخت این مقابر در دوران سلجوقیان به اوج خود رسیده و در دوره ایلخانیان نیز مقابر بسیاری ساخته شده است. تمایل به ساخت مقابر فرم مکعب گنبددار (کوشکی) در دوره سلجوقی شروع و در دوره ایلخانی به اوج رسیده است و در ساخت آنها از الگوی دوره ی سلجوقیان پیروی شده است. به ظور کلی می توان گفت معماری ایلخانی سبک جدیدی را در تاریخ معماری ایران به وجود نیاورده، بلکه تا حدودی دنباله روی معماری سلجوقی بوده و پلان ها و تکنیک های آن را به ارث برده است.

همچنان که آجرکاری در تزئینات معماری این دوره دنباله روی آجرکاری سلجوقی بود. ولی در مقابل گچبری در عصر ایلخانی از لحاظ تکنیک و شیوه های اجرا به اوج خود رسیده است.

در دوره سلجوقیان برای اولین بار در کنار آجرهای قالبی از گچ و کاشی استفاده شده است. به عبارتی تلفیق چند نوع مصالح در یک نقش از ابتکارات سلجوقیان بوده که در دوران بعدی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. در گنبد سرخ گرچه معمار مسلماً خواسته است با به کار بردن چند تکه کاشی کاری جلوه بیشتری به کار خود داده باشد اما منظورش از این کار به وجود آوردن یک اثر تزئینی نبوده است و این از ابزارکاری دقیق و با سلیقه ای که در جاهای دیگر به کار برده معلوم میشود، او ساختمان را با رنگ تزیین نکرده بلکه مانند پیشینیان خود با طرح و سایه و روشن، کار خود را تزیین نموده است. در گنبد سرخ مجموعه ای از این تزیینات معقلی و آجرکاری و کتیبه ها و نقش و نگارهای گوناگون جلوه خاصی به بنا بخشیده است. گنبد کبود و برج مدور نیز در تزئینات شباهت های زیادی به گنبد سرخ دارند.

در دوره ایلخانیان آجرکاری به وسعت قبل کاربرد نداشته و تزئینات گچبری و کاشی کاری جایگزین آجرکاری شده است و از کاشی در کنار آجر بیشترین بهره برده شده است به طوریکه میتوان دوره ایلخانیان را زمان اوج و کمال این تکنیک ترکیبی آجر-کاشی دانست. یکی از خصوصیات برجسته معماری دوره ایلخانی، مهارت فوق العاده در گچکاری و استفاده زیاد و در انواع مختلف آن بوده است. کاربرد اولیه فن لعاب پران در دوره ایلخانی است و میتوان آن را مشخصه دوره ایلخانیان دانست. گنبد غفاریه از اولین برج مقبره هایی است که در آن از این فن استفاده شده است؛ و شاید بتوان گنبد غفاریه را اولین مقبره ای که در آن فن کاشی لعاب پران بکار رفته در نظر گرفت.

نگاهی به مساجد و مقابر آشکار می سازد که شیوه های تزئینی گوناگون در کیفیت نهایی ابنیه نقش قابل توجهی ایفا می کردند. برخی از تزئینات، بخشی از مصالح ساختمانی بودند و بخشی آرایشی، نظیر گچبری آجرها یا کاشی های الوان.

چهار مقبره مورد بررسی قرار گرفته شهرستان مراغه که مربوط به دوره سلجوقیان و ایلخانیان می باشند، دارای ویژگیهای ذکر شده می باشند. همه این مقابر دارای دو طبقه مجزای سردابه و شبستان بوده و از لحاظ کاربرد مصالح و تکنیک ساخت با توجه به دوره زمانی و موقعیت مکانی یکسان، مشابهت های بسیاری دارند. از عناصر مهم در این گنبدها استفاده از آجر قرمز می باشد که مختص خطه آذربایجان بوده و هم به عنوان مصالح ساختمانی و هم تزئینات بکار رفته است. تزئیناتی که شامل تزیین آجری، کاشی کاری، گچبری و نوشتن کتیبه با خطوط کوفی و ریحان است در همه این مقابر وجود دارد.

در کل تفاوت عمده گنبد غفاریه به عنوان مقبره ای از دوران ایلخانیان با سه مقبره دیگر، که از دوران سلجوقیان می باشند، در استفاده از تکنیک کاشی معرق و کاشی لعاب پران می باشد و می توان گفت معماران ایلخانی پلان و مصالح و روش های ساختمانی را از دوران سلجوقیان در این منطقه اقتباس کرده اند.

منابع

- آزاد، میترا. (۱۳۹۳). "بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی-چهل دختر اصفهان، تاریخانه دامغان و مسجد جامع ساه"، دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۳، دوره ۳، شماره ۵، صص: ۵۶-۳۹
- بزرگمهری، زهره. (۱۳۸۱). "مصالح ساختمانی (آژند، اندود، آمود)"، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۹). "هنر مقدس: اصول و روش ها"، ترجمه: جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران.
- پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۶۵). "معماری ایران: پیروزی شکل و رنگ"، ترجمه: کرامت الله افسر، فرهنگسرا (یساولی)، تهران.
- حاتم، غلامعلی. (۱۳۷۹). "معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان"، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- حسینی، سید هاشم. (۱۳۸۹). "معرفی سبک مقبره سازی متصوفه آذربایجان"، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۳، صص: ۶۸-۵۷.
- دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۷۲). "تاریخ تمدن (جلد اول مشرق زمین گهواره تمدن)"، ترجمه: احمد آرام، تهران انتشارات علمی و فرهنگی.

- رشوند، زینب. (۱۳۹۱). "تبیین مفاهیم تزئینات هندسی آجرکاری معماری سلجوقی"، کتاب ماه هنر.
- شکفته، عاطفه، احمدی، حسین و عودباشی، امید. (۱۳۹۳). "تزئینات آجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزئینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی"، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی ش ۶، صص: ۱۰۶-۸۴.
- شکفته، عاطفه. (۱۳۹۴). "مضمون کتیبه‌های قرآنی در محراب‌های گچی عصر ایلخانیان" فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی ش ۸، صص: ۱۲۲-۱۰۴.
- فرهمند بروجنی، حمید و سلیمانی، پروین. (۱۳۹۱). "گونه شناسی تزئینات گنبد غفاریه مراغه بر اساس الگوی تطبیقی دوفصلنامه‌ی علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، دوره ۸، ش ۱۶، صص: ۱۰۰-۸۹.
- فریر، رونالد. (۱۳۷۴). "هنرهای ایران"، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، نشر و پژوهش فرزبان روز، تهران.
- کاتلی، مارگر و هامبی، لوئی. (۱۳۷۶). "هنر سلجوقی و خوارزمی"، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۴). "تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، انتشارات سمت، تهران.
- ویلبر، دونالد و کلمبیک، لیزا. (۱۳۷۴). "معماری تیموری در ایران و توران" ترجمه: کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی. سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۴۶). "معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان"، ترجمه: عبد... فریار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ سازمان برنامه.
- هیل، درک و گرابر، اولگ. (۱۳۷۵). "معماری و تزئینات اسلامی". ترجمه: مهرداد وحدتی دانشمند، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۷۷). "معماری اسلامی (فرم، معنی و عملکرد)"، ترجمه: ایرج اعتصام. شهرداری، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Comparative Comparison of Seljuk and Ilkhani Temple Architecture in Maragheh City with Physical Attitudes

Abstract:

The monuments of the tomb of Iran in post-Islamic periods were used to build magnificent monuments over the graves of religious people, sometimes kings and celebrities. During the Seljuk period (5th and 6th centuries), the construction of this monument became a climax and In the period of the Ilkhanis (7th and 8th centuries), many statues were made, which were characteristic of the common patterns of the Seljuk era.

The purpose of this research was applied with a qualitative approach, the structural characteristics of the monument of the Seljuk period and the Maragheh Ilkhanid period were studied. The statistical population of this study is the graves of two Seljuk and Ilkhani graves in Maragheh city. Due to the limited number of them to four, the statistical samples of this study were all four tombs including red dome, circular tower, dome (Seljuk period) And the Ghaffari dynasty (the period of the Ilkhanites).

The research methodology is descriptive-analytic and also deductive logic is used. The method for collecting information was based on documentary and library studies, along with field visits, observations and surveys.

The four graves studied in Maragheh, which belong to the Seljuk period and the Ilkhanis, have similarity in terms of the use of materials and construction techniques with regard to the same period of time and location. It can be concluded that the architects of Ilkhani have adapted the plan and materials and methods of construction from the Seljuk period in this region.

Keywords: Physical attitude, mosque, Maragheh, Seljuk, Ilkhanian

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی